مقدمه

براساس احکام فقهی، طلاق حق مرد شناخته شده و بنابه مقتضیات زمان و مصالح جامعه ازطریق قانونی همواره سعی در تعدیل و تحدید آن شده است. در احکام فقهی متقدم، براساس نظر شارع هر موردی که در گذشته باعث آزار زوجه بوده است از جمله ظهار و ایلاء حکم به وجوب طلاق بیان شده؛ اما با اندک توجهی در موضوعات روز و مشکلات زوجین، می­بینیم که این مسائل در جوامع امروزی بالاخص ایران کمتر اتفاق می‌افتد و ازسوی دیگر می­دانیم که فقه اسلام، فقهی پویا برای همه زمان‌هاست، آیا می‌شود امروزه حق طلاق به وسیله مردان موجب آزار به زوجه گشته و اسلام درباره این مسائل حکمی جز رجوع به مبانی ثانوی یا وکالت در طلاق را نداشته باشد؟ یا برای برون‌رفت از این شرایط تنها راه، طلاق زوجه با پرداخت فدیه است؟

نوشته حاضر با روشی توصیفی‌تحلیلی در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که آیا مرد در هر صورتی دارای مطلق حق طلاق است و زوجه تحت هیچ شرایطی جز ایلاء و ظهار نمی­تواند درخواست طلاق به‌موجب حکم اولیه (بدون اثبات عسروحرج ناشی از مشکل پیش‌آمده، به صرف وجود مسئله) و بدون پرداخت فدیه داشته باشد؟

در پژوهش‌های پیشین اگر از موجبات طلاق به درخواست زوجه، سخن به میان آمده است، به بررسی ضمانت اجراهای ذکرشده به وسیله­ قانون و بررسی ماهوی و حدود آنها همچون وکالت عام یا خاص در طلاق و احکام ثانوی پرداخته شده است (سعادت مصطفوی و همکاران، 1385: 53؛ علایی نوین، 1388: 107؛ ابهری و طهماسبی، 1388: 52). برخی از این پژوهش­ها نیز با استناد به طلاق خلع و مبارات زن را دارای حق طلاق در اسلام دانسته‌اند و به حق طلاق زوجه زمانی که بذل مهر دارد معتقدند (عابدی و امینی، 1399: 218). آنچه پژوهش پیش روی را از سایر پژوهش­های پیشین متمایز می­سازد، توجه ویژه به موجبات درخواست طلاق زوجه در حکم اولی و بدون پرداخت فدیه است. چراکه قانون و سایر پژوهش­ها برای بررسی موجبات طلاق زوجه به وکالت در طلاق، بررسی عناوین ثانوی و ... تأکید کرده­اند؛ اما باید توجه کرد بسیاری از مواردی که در حکم ثانوی نیز مطرح می‌شود، در فقه امامیه به حکم اولی و بدون آنکه طلاق با احراز عسروحرج غیرقابل‌تحمل باشد از موجبات طلاق زوجه است و می‌تواند مشکلات زنان را در زمینه حق طلاق بر طرف سازد. چه اینکه رجوع به عناوین ثانوی در این سال­ها نتوانسته است پاسخ‌گوی نیاز زنان باشد.

در این راستا به بررسی مبانی فقهی موجود در فقه امامیه که موجبات درخواست طلاق زوجه در حکم اولیه را فراهم می­کند پرداخته شده و در ادامه با توجه به این حقیقت که اگر بر این مبانی جامه قانونی پوشانده نشود تأثیری در جامعه ندارد، به بیان پیشنهادهای قانونی پرداخته می­شود؛ زیرا پر واضح است که با وجود راهکارهای قانونی موجود، از حق مطلق مردان برای طلاق چیزی کاسته نشد و تنها برخی از راهکارهای احکام ثانوی همچون عسروحرج و ... آن هم با شرایط اجرایی خاص پررنگ شده­اند و زن تنها از بستر اثبات چنین راهکارهایی می‌تواند بدون خواست مرد طلاق بگیرد.